

تهیه و تصحیح توسط هیئت محبان حضرت علی اکبر (ع) روستای ننیز علیا شهرستان رابر
استان کرمان

نسخه یزید در مجلس خرابه شام

شکر خدا که دور فلک شد به کام ما افتاد مرغ وحشی دولت به دام ما
اندوه شد تمام و غم از سینه دور شد ریزید باده طرب اینک به جام ما
زینت کنید بارگه من چو باغ خلد آذین کنید کوچه و بازار شام ما
آرید مطربان غزلخوان و چنگ زن رقاصگان خوب رخ و خوش خرام را
بلافاصله

چون کرد شمر خدمت خود را به ما دراز می زبید اینکه ماش نماییم سرفراز
با احترام شمر بیاید حضور ما زبید اگر به شهر در آید به عز و ناز

.....
برو به مثل اسیران ازبک و تاتار سر برهنه بگردان به کوچه و بازار

.....
پشت میدان امارتی است خراب مسجدی هست بی در و محراب
بهر این اهل بیت پیغمبر زان خرابه نیافتم بهتر

.....
بیاورید به مجلس همه اسیران را به کنج محفل ما جا دهید ایشان را

.....
کیست گو این زن سعادتمند که صدایش رسد به گوش بلند

.....
این است که باب وی جهان را بگرفت به ضرب ذوالفقارش
این است که باب امجدش را برده است به عرش کردگارش
صد شکر به چشم خویش دیدم رسوا و ذلیل و خوار و زارش

.....
در جواب زنان سوخته جان باید اندر دهان کشید زبان
بیاورید کنون راس شاه خوبان را به کنج محفل ما جاد دهید ایشان را
بلافاصله

سر را غلام جلو یزید میگذارد
فرد به فرد یزید با شمر

بدان ای شمر دارم مطلبی چند

.....
مگر این سر جدا گشته ز ساطور

.....
چرا خرد استخوان گردن اوست

.....
بریدی یا زدی ضربت تو از دور

.....
چسان بر گو به من ای بی مرووت

.....
چه گفت اول که بر او ضربت آمد

.....
دوم ضربت چه گفت از بینوایی

.....
سوم ضربت چه گفت آن شاه بی کس

.....
کلامش گو به ضرب چارمین را

.....
چه گفتا پنجمین ضربت به یارب

.....
ششم ضربت چه گفت آن بی قرینه

.....
چه گفتا هفتمین ضربت ندانم

.....
چه گفتا او به هشتم ضرب ای شمر

.....
نهم ضربت چه گفتا سوخت جانم

.....
دهم ضربت بگو تا من بدانم

.....
چه گفتا رو سیه بر گو جوابم

.....
بگو آبی زدی بر نار جانم

.....
در آخر چه بگفت آن شاه والا

.....
ز بعد قتل او بر گو چه رو داد

.....
ساقی به جام باده چون آفتاب کن دور فلک درنگ ندارد شتاب کن
ساقی نقاب از رخ خاتون خم بگیر خون در روان سلسه بوتراپ کن
ای شاه تشنه کام بود روز عیش ما لبهای خشک خویش تو تر با شراب کن

.....
آخ که یاد آمدم از جنگ نهروان بر تخت زر نشین و سوال و جواب کن
بر گو به زیر چوب ایا سبط بو تراپ اکنون شکایتم به بر جد و باب کن

.....
کیستی ای مستمند دردمند با تن تبار و با زنجیر و بند
با چنین قدر و جلال و زیب و زین بلکه میبایی علی بن الحسین

.....
الحمد لله الذی قتل اباک
یا علی دیدی تو عدل کردگار حق چسان بگرفت بر مرکز قرار
گر حسین قلبش ز ما برگشته شد عاقبت دیدی ز خنجر کشته شد

.....
حال برگو دختر میر عرب بعد از این سختی و آزار و تعب
ظلمهای کوفیان پر جفا بر حریم اهل بیت مصطفی
گو چه میبینی از این رنج و عذاب نیست آیا بس تو را برگو جواب

.....
برو خطیب به منبر تو از طریق عناد بکن تو لعن علی تا شود دل من شاد
خطاب من به شما اهل بیت پیغمبر دهید گوش به حرف خطیب بر منبر

.....
حاشا که من رضا به چنین کار نیستم خواهی که فاش خلق کنی تا که کیستم

.....
قسم خورم که دهد دودمان ما بر باد برو کنون تو به منبر جناب زین العباد

.....
بگو اذان تو موذن که گشت وقت اذان بگو اذان تو موذن به صاحب قران
بگو اذان و همه خلق را تو آگه ساز روند جانب مسجد پی ادای نماز

.....
برید سوی خرابه کنید تمام را از کین کنید در غل و زنجیر تا شوند غمین

.....
ایا غلام تو بر گو ز چیست این غوغا بین چه واقعه گشته به عترت طاهرا

ایا غلام ببر راس سید الشهدا در آن خرابه به نزدیک دختر زهرا

هیئت معبدان حضرت علی اکبر (ع) روستای نیر علیا